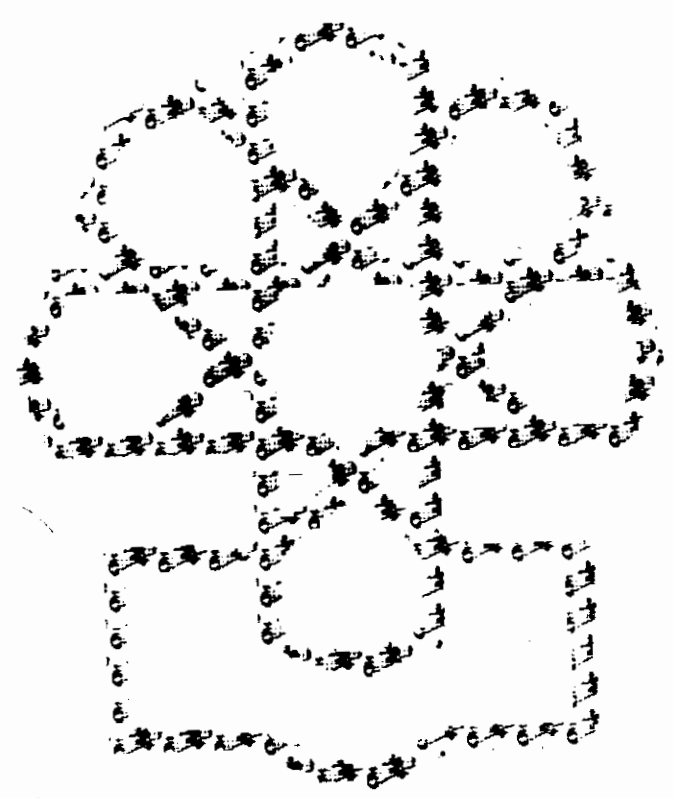


۴۴۴

۲۴۴۴



سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در یک نگاه



کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

معاونت پژوهشی
فروردین ۱۳۷۸

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی ماری
شماره: ۱۰۷۳۸
تاریخ: ۷۸ ر ۳ ر ۴

کد گزارش: ۴۱۰۴۴۰۴

انقلاب اسلامی راهی است که هدف آن برپایی حاکمیت و ارزش‌های اسلامی است. این انقلاب با تحول درونی، تغییر باورها، نگرش‌ها و ارزش‌ها آغاز می‌شود. لذا فرهنگ نقش اساسی در ایجاد و استمرار انقلاب دارد. با توجه به این که فضای فرهنگی جامعه عمیق‌ترین و بلندمدت‌ترین تأثیر را بر رفتار جامعه دارد مبارزه فرهنگی مؤثرترین و ریشه‌ای‌ترین راه برای تغییر باورهای جامعه است. از این روست که دشمنان و مخالفان نظام اسلامی پس از به بن‌بست رسیدن انواع اقدامات براندازی نظامی و سیاسی رویکردی فرهنگی و به تعبیر دقیق‌تر تهاجم فرهنگی را برای مقابله با نظام در رأس اقدامات خود قرار داده‌اند. تهدیدات و تهاجمات فرهنگی دشمن به دو بخش تقسیم می‌شود:

اول، ابتذال اخلاقی که با استفاده از ابزارهایی همچون ماهواره، فیلم، نوشته‌های مختلف و... بیشتر جنبه صوری و ظاهری دارد و عمدتاً به صورت تظاهرات ضد اخلاقی و ضد فرهنگی ظهور می‌نمایند.
دوم، جنبه فکری و محتوایی که با مخدوش نمودن معیارها، تخطئه شعائر و سنن دینی و بالاخره آسیب رساندن به هویت دینی و ملی تحقق می‌یابد. گسترش فرهنگ‌های التقاطی نتیجه این بخش از تحرکات فرهنگی بیگانه است.

امروزه با گسترش ابزار ارتباطی و توسعه انفجارگونه اطلاعات، همه مردم جهان به نوعی وحدت و پیروی از الگوها و رفتارهای مشخص دعوت می‌شوند که ریشه در فرهنگ بیگانه دارد و با باورها و الگوهای دینی معارض است.

در حال حاضر مدعیان فراوان روشنفکری حتی در قالب تفکر دینی مهر تأیید بر فرهنگ غربی می‌زنند و با التقاطی ظریف، اصول و باورهای اسلامی را در آن مستهلک می‌سازند. این گروه می‌گویند باید با اصول جهانی همراه شد و از برخی ارزش‌ها، باورها و خواسته‌های خود دست کشید.

«امروز، دیگر اندیشیدن در دایره و دور بسته امکان‌پذیر نیست. تفکر جهانی است.»^۱

بدین ترتیب غرب باوران با حمایت‌های همه جانبه غرب سعی در قبضه عرصه فرهنگی کشور نموده‌اند. اگر صحنه‌های دفاع مقدس یا جلوه‌های تاریخ دینی به تصویر کشیده شود و فیلم حاوی ارزش‌های اسلامی باشد با برخورد سرد روشنفکران و رسانه‌های خودباخته و محافل هنری جهانی رو به رو می‌گردد. ولی اگر فیلم یا کتاب و مقاله‌ای بر علیه ارزش‌های دینی و در راستای ترویج تفکر غربی انتشار یابد با استقبال گرم این گونه محافل مواجه می‌گردد. کسانی که به ستون‌های انقلاب هجمه می‌کنند به عنوان روشنفکر، صاحب‌نظر و اندیشمند معرفی می‌گردند و اگر دل سوخته‌ای به دفاع از انقلاب، شهیدان و ارزش‌ها برخیزد و به نقد آرای آنان پردازد فوراً با برخوردهای قالبی، برچسب زدن و حمله همه جانبه رو به رو

۱. رامین جهانگیر، مدرسه، دمکراسی و روشنفکران، صفحه ۸

می‌گردد. در حالی که فریاد آزادی سر می‌دهند افکار قالبی می‌سازند و اگر کسی از مرز ترسیم شده خارج گردد آماج حملات می‌شود.

آزادی از شعارهای اصلی انقلاب و از اصول اساسی تفکر اسلامی و مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی است. اگر دیگران شعار آزادی سر داده‌اند مجاهدان این مرز و بوم جان بر سر راه آن گذاشته‌اند. حال چه شده که آزادی از تفکر دیگری جستجو می‌گردد؟ چرا باید برخی نشریات تا آن حد به مقابله با اصول و ارزش‌های مسلم برخیزند که ناگزیر به تعطیلی کشانده شوند؟ آیا آزادی که موهبت انقلاب بوده می‌باید سنگر تهاجم به ارزش‌های انقلاب قرار گیرد؟

اینجاست که تبیین درست مطالب می‌تواند به روشنفکری و آگاهی جامعه منجر گردد و این امر با هرج و مرج و بی‌قانونی امکان‌پذیر نیست. تعیین خط‌مشی‌های فعالیت‌های فرهنگی با توجه به ارشادات رهبر معظم انقلاب، قوانین کشور و مصوبات شوراهای عالی انقلاب فرهنگی امری لازم برای بهره‌گیری از فضای فرهنگی جامعه است. سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران با توجه به نقش حساسی که در بخش عمومی دارد می‌تواند در راستای تحقق اهداف فرهنگی جامعه و اشاعه فرهنگ اسلامی در بین مردم به ویژه جوانان حرکت نماید.

بحث اول - «هنر ابزار ترویج اندیشه»

از دیر باز ایدئولوژی‌ها و مکاتب مختلف از ابزارهای گوناگونی برای بسط و گسترش خویش استفاده نموده‌اند. یکی از این ابزارها که شاید جزء کاراترین آنها نیز محسوب شود «هنر» می‌باشد. تمامی مکاتب الهی و بشری سعی نموده‌اند که برای روشن شدن حقایق و ترویج خویش از هنر استفاده نمایند.

نگاهی به ادبیات مارکسیسم پس از انقلاب شوروی به خوبی گویای این مسئله می‌باشد که چگونه نویسندگانی زبردست با خلق قوی‌ترین و شیواترین رمان‌ها (که بسیاری از آنها هنوز هم جزء برترین آثار ادبیات و داستان‌نویسی در جهان محسوب می‌گردند) و گنجاندن تفکر و ایدئولوژی مارکسیسم به جذب افکار جوانان در سراسر جهان پرداختند و در این راه تا حد قابل توجهی نیز موفق گردیدند.

نکته جالب‌تر این که دین اسلام نیز بسیار زودتر و هوشمندانه‌تر به این مسئله پرداخته است. چنانکه مشهور است هنر اصلی ساکنان جزیره العرب مقارن ظهور اسلام «شعر و شاعری» بود تا آنجا که اعراب جاهلیت قوی‌ترین مجموعه اشعار عربی را تحت عنوان «معلقات سبع» بر پوست‌هایی نوشته و از خانه کعبه آویخته بودند. اسلام نیز برای این که مناسب‌ترین زمینه را برای تبلیغ خویش فراهم نماید از این زمینه موجود استفاده نمود و شیواترین اثر که در عین شربودن دارای آهنگ و ضنین نیز بود از خزانه علم الهی به پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالمطلب (صلی الله علیه و آله) وحی گردید و این مسئله چنان اثر تبلیغی عجیبی داشت که کفار مکه برای این که کلام زیبای خداوند را نشنوند و ناخواسته تحت تأثیر آن قرار نگیرند خود و دوستان‌شان را به نشنیدن این کلام توصیه می‌نمودند و حتی گاهی اوقات که ناخواسته و به جبر در معرض شنیدن آیات خداوند قرار می‌گرفتند دست خویش را در گوش فرو می‌بردند. به هر حال از آنجا که هنر با روح و احساس افراد سروکار دارد سریعاً در انسان‌ها رسوخ می‌نماید. مکاتب ضالّه نیز سعی نموده‌اند که از این ابزار برای گمراهی بشر سود جویند و با تحریف در اهداف و روش‌ها، آن را به منزله اسلحه‌ای مخرب در جهت فروپاشی فرهنگ جوامع به کار گیرند.

با اختراع سینما و ساختن فیلم و تلویزیون تحول شگرفی در مسائل هنری رخ داد. هنر که قبلاً از این در قالب انواع و اشکال دیگری به صورت نقاشی، شعر، ادبیات و در نهایت موسیقی در جوامع جلوه‌گر بود و به علت ماهیت اشکال فوق‌نوعاً در اختیار افشار خاصی از افراد قرار داشت با اختراع سینما و تلویزیون سریعاً به میان جوامع و توده مردم کشیده شد و از حالت انحصاری خارج گردید. این مسئله هرچند که از دیدگاهی مثبت و قابل توجه بود از نگاهی دیگر خطر جدی را می‌آفرید و آن این که با استفاده از این ابزار طبقات متوسط جامعه و حتی طبقات فقیر نیز جزء مصرف‌کنندگان کالاها و هنری نظیر فیلم‌های بلند مدت، سریال‌های تلویزیونی و موسیقی‌های آنجانی قرار می‌گرفتند و رسوخ در این افشار جامعه نیز کاری سهل و آسان گردید و آنان نیز آماج تهاجم فرهنگی که بر علیه تمدن‌ها و فرهنگ‌های اصیل به راه افتاده بود قرار گرفتند.

در این میان «فیلم» اثر شگرف‌تری بر جوامع انسانی داشته است. فیلم به علت این که برترین تکنولوژی ساخت آن همیشه در دست قدرت‌های استعماری قرار داشته است. از آغاز پیدایش بیشتر مورد توجه برنامه‌ریزیان و برنامه‌سازان تهاجم فرهنگی علیه تمدن‌ها قرار داشته است و به همین علت پیدایش سینمای ناطق را می‌توان، نقطه عطفی در وابستگی فرهنگی ملل جهان به حساب آورد.

بر طبق آمارهای موجود در سال ۱۹۲۰، چهار پنجم فیلم‌هایی که در سطح جهان به معرض نمایش گذارده شد در «هالیوود» آمریکا ساخته شده بود. همچنین هم اکنون نیز نیمی از بودجه انجمن تجارت فیلم ایستایا متعلق به سرمایه‌داران آمریکایی است و کار تا آنجا پیش رفته است که ۹۰ درصد بودجه‌ای که طی سنوات اخیر در فیلم‌های انگلیسی سرمایه‌گذاری شده متعلق به آمریکایی‌هاست.^۱

نظر سنجی‌های انجام شده در کشورمان نیز مؤید این موضوع می‌باشند که قشر جوان جامعه مانیز کم و پیش مانند جوانان سایر جوامع قسمتی از اوقات فراغت خویش را به سینما و تلویزیون اختصاص می‌دهد و فراتر این که سایر اقشار جامعه نیز کم و بیش درصد زیادی از وقت خویش را به این رسانه‌های تصویری اختصاص می‌دهند.

نفوذ تلویزیون و فیلم و سریال در زندگی مردم به حدی است که برخی از مردم صبح خود را با آن شروع نموده و شب را نیز با آن به آخر می‌رسانند و صدا و سیما بیش از آن که دستگاهی اطلاعاتی باشد ابزاری برای سرگرمی و گذران وقت و تنوع و آرامش است و مؤید مطلب این که برای سرگرمی بیشتر و تنوع زیادتر با پرداخت مبالغی برخی از افراد در صدد تهیه وسایل استفاده از ماهواره و سریال‌ها و شوهای تلویزیونی شبکه‌های غربی می‌پردازند. در حالی که در اکثر اوقات حتی قادر به فهمیدن زبان فیلم نیستند و فقط با استفاده از تصاویر و اکشن فیلم کلیات ماجرا را دنبال می‌کنند.

به هر حال جریان هنر در کشور ما پس از انقلاب اسلامی تغییرات عمده‌ای را نسبت به قبل از انقلاب شاهد بود. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و سال‌های جبهه و جنگ موج جدیدی از هنر انقلابی و اسلامی که در خدمت انقلاب اسلامی و جبهه و جنگ بود به وجود آمد. فیلم‌های سینمایی زیبا و پر محتوایی تهیه شد که هنوز هم گاه‌گاهی شاهد ساخت بعضی از این فیلم‌ها هستیم.

با پایان جنگ تحمیلی و شروع سال‌های سازندگی متأسفانه هنر و علی‌الخصوص فیلم و موسیقی که جلوه‌های عمومی‌تر و فراگیرتر آن هستند در رشد مؤثر و مثبت خویش دچار رکود گردیدند و با تأسف

۱. ژورنالیستک اطلاعات آنومی اسمیت، انتشارات سروش، ص ۴۲

زیادتر باید عنوان نمود که در پاره‌ای از موارد حتی حرکت قهقراپی را نیز آغاز نمودند که به علت ضعف سیاست‌های فرهنگی در سال‌های گذشته و حال شاهد برخورد مؤثری با این حرکت‌ها نبوده و نیستیم. سینمای ما به سمت سینمای گیشه‌ای و فیلم‌های کم محتوا و غیرمتعهد میل نمود و موضوع و سوزنه بسیاری از فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی مسائلی نظیر ازدواج و خواستگاری و ضلّاق و سایر مسائل ابتدایی و بسیار بسیار عام‌پسند و کم محتوا گردید.

علت اصلی این موضوع را چنان‌که ذکر شد در بی‌برنامگی متولیان فرهنگی کشور باید جستجو نمود. حال که دیگران از زبان فیلم و موسیقی در جهت اهداف‌شان سود می‌برند ما نیز باید از همین زبان برای مقابله با تهاجم فرهنگی استفاده نماییم و با تدوین و ابلاغ سیاست‌های فرهنگی در بخش فیلم و موسیقی و به اصطلاح صوتی و تصویری به برنامه‌ریزی جامع برای استفاده مناسب و هدف‌مند در جهت اهداف انقلاب اسلامی و اسلام پردازیم.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار سال گذشته‌اشان با شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز با تشخیص صحیح و دقیق و به موقع موضوع «ضعف برنامه‌ریزی فرهنگی در کشور»، اعضای این شورا را به فعالیت و حساسیت هرچه بیشتر در ارتباط با مسائل فرهنگی توصیه نمود. به عنوان حسن اختتام این بخش به فرازهایی از مطالب معظم‌اله که در دیدار مذکور عنوان گردید اشاره می‌گردد.

«مدیریت فرهنگی کشور باید به تدبیر و نظارت پردازد و بر مبنای ضوابط مشخص اعمال مدیریت کند تا در عرصه فرهنگ، هرلج و مرج رایج نگردد و هر متاع فاسدی عرضه نشود.

«دستگاه فرهنگی کشور باید صف‌آرایی‌های موجود در عرصه فرهنگ و مرزبندی خودی‌ها را بشناسد و در مقابله با جریان‌ات نامصحیح عقلمت نکند»

«بیکار بودن و کم‌کاری دستگاه مسئول امور فرهنگی کشور در مقابل طرح نظرات غلط و ناحق، خطرناک است و این امر موجب نگرانی است».

بحث دوم - اطلاع‌رسانی و وظایف‌ها

به موازات رشد هنر و عمومی و فراگیر شدن آن در جوامع با رشد رسانه‌ها، جریان فرهنگی دیگری نیز در سراسر جهان شروع به رشد و گسترش نمود. جریان اخبار و اطلاعات و به اصطلاح «اطلاع‌رسانی» در سال‌های گذشته با سرعت شگرفی روبه رشد نهاد.

فن‌آوری «ماهواره» و «رایانه‌ها» در دهه‌های اخیر باعث شد که جریان اطلاع‌رسانی از روال سنتی آن که جریان یک سویه درج و نشر اطلاعات بوده درآید و عصر رسانه‌های چند سویه فرارسد.

این عصر که از آن به عنوان «عصر انفجار اطلاعات» نیز یاد می‌کنند دارای آثار مثبت فراوانی می‌باشد. ذیلاً بعضی از آثار مثبت آن ذکر می‌شوند.

در اثر رشد سریع وسایل ارتباط جمعی و استفاده از فن‌آوری «ماهواره» و «رایانه» و شبکه جهانی اطلاع‌رسانی حجم اطلاعات مکتوب در جهان به سرعت رو به افزایش نهاد تا آنجا که براساس آمار موجود یونسکو تا ۶۰ سال پیش حجم اطلاعات مکتوب جهان هر ۴۵ سال یکبار دو برابر می‌شد ولی در حال حاضر هر ۵ سال یک بار حجم اطلاعات مکتوب جهان در برابر می‌شود. فن‌آوری بسیار پیشرفته و در عین حال تقریباً سهل الوصول اطلاع‌رسانی باعث گردیده که جریان اطلاع‌رسانی جهانی از صورت کاملاً انحصاری

بیرون آمده و امکان تجزیه و تحویل اطلاعات و نشر واقعیات اخبار و سایل برای کشورها و افرادی که فاقد امکانات بسیار وسیع تبلیغاتی می‌باشند نیز فراهم آید. نکته جالب این‌که در سال‌های دهه هشتاد و قبل از آن ۹۰ درصد جریان خبر و اطلاع‌رسانی در کل جهان در اختیار ۴ خبرگزاری عمده دنیا یعنی «آسوشیتدپرس» و «یونایتدپرس» از امریکا، «رویتر» از انگلستان و «فرانس پرس» از فرانسه بود. اما امروزه به مدد پایگاه‌های خبری بسیار گسترده‌ای که توسط اکثر کشورها بر روی شبکه جهانی «اینترنت» ایجاد شده جریان خبر از سوی این شبکه‌های خبری نیز انتشار می‌یابد و این مسئله باعث گردیده که شگردهای خبری و تبلیغاتی نظیر تحریف خبر و تشدید خبر یا رزونانس نسبت به گذشته کاهش قابل توجهی پیدا نماید.

یکی از فواید این عصر، توسعه جدی علوم و فنون با استفاده از امکانات اطلاع‌رسانی می‌باشد که نه تنها هر کس می‌تواند در هر لحظه از آخرین پیشرفت‌های علمی، نتایج سمینارها و کنفرانس‌های علمی و پایان‌نامه‌ها و تحقیقات و مقالات علمی در هر کدام از رشته‌های علوم و فنون آگاهی یابد بلکه امکان تبادل نظر و ارائه نظرات علمی توسط کلیه افراد وجود دارد.

جریان انفجار اطلاعات در عین این‌که آثار متعدد مثبتی دارد، آثار منفی را نیز با خود به همراه دارد. به عنوان نمونه می‌توان به آلودگی‌های مختلف اطلاعاتی در زمینه مسائل اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اشاره نمود.

صرفنظر از ارائه مسائل غیر اخلاقی که تقریباً شیوه شناخته شده‌ای برای تهاجم اطلاعاتی می‌باشد شیوه تقریباً جدید و پیچیده‌ای که فعلاً ارائه می‌شود آلودگی‌های اطلاعاتی و ریختن حجم زیادی از اطلاعات درباره مسائل سیاسی و اجتماعی است که نوعاً به صورت مستتر و پیچیده در قیافه‌ای حق به جانب و به ظاهر منصفانه ارائه می‌شود که مردم یک کشور را نسبت به وضعیت موجود خویش ناراضی نماید و با ارائه اطلاعات پنهانی و خارج از دسترس به اصطلاح سری به مردم سعی در اخلال در مجموعه اطلاعات در دست مردم نمایند. نمود این جریان را امروزه به وضوح می‌توان در کشور خودمان دید.

امپریالیسم خبری غرب با استفاده از جریان خبر و اطلاع‌رسانی جهانی و با اختصاص بودجه‌های عظیم و تشکیل پایگاه‌های جدید خبری نظیر رادیو آزادی در خارج از کشور و استفاده از عوامل خبری و نشریات وابسته به خویش در داخل کشور سعی در القای ذهنیتی خاص به مردم در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی دارد.

متأسفانه در دو سه سال گذشته این گونه نشریات که آگاهانه یا ناآگاهانه در خدمت جریان اطلاع‌رسانی هدایت شده امپریالیسم خبری غرب قرار گرفته‌اند به شدت روبه رشد نهاده‌اند و متأسفانه چنانکه در قسمت اول ذکر شد دستگاه مسئول امور فرهنگی کشور نه تنها سعی در محدود ساختن این جریان ندارد، بلکه در مواردی نیز حتی زمینه‌های بسط و گسترش جریان مسموم اطلاع‌رسانی که به صورت هدفمند توسط امپریالیسم غرب طراحی و ارائه می‌شود و توسط نشریات وابسته یا غیر وابسته ناآگاه که در حقیقت عروسک‌های خیمه شب بازی این نمایش هستند که توسط عروسک‌گردان به حرکت در می‌آیند را نیز فراهم نموده است. چنانکه پیش‌تر ذکر شد مقام معظم رهبری با تذکر این مسئله درباره عواقب وخیم این وضعیت هشدار دادند. جا دارد که مجلس و قوه مقننه که قادر به استفاده از ابزارهای جهت کنترل این وضعیت هستند در این موقع حساس و در این برهه از تاریخ انقلاب اسلامی نسبت به موضوع حساسیت بیشتری نشان داده سعی در کنترل اوضاع فعلی و نجات افکار و اذهان مردم علی‌الخصوص قشر جوان جامعه که از

بر جمعیت ترین اقشار نسبی جمعیت کشور ما می باشد نمایند.

بحث سوم - معرفی سازمان فرهنگی هنری شهرداری

ایجاد فرهنگسراها در شهر تهران یکی از اقدامات خوب سال‌های سازندگی بود که با توجه به پراکندگی مناسب و قابل قبول آن در اکثر نقاط شهر می تواند نقش مؤثری در جذب اقشار جوان جامعه داشته باشد. با گسترده‌گی کار این فرهنگسراها و عملکردهای متفاوت و برنامه‌ریزی‌های ناهمگون در نقاط مختلف شهر خلاء تشکیلاتی جهت سازماندهی امور فرهنگی و برنامه‌ریزی کلی برای تمام این فرهنگسراها احساس گردید.

در پی ارسال طوماری از طرف مردم در سال ۱۳۷۴ به مقام معظم رهبری ایشان در جواب اظهار داشتند که:

ساخت و تجهیز فرهنگسراها از طرف شهرداری کاری پسندیده است. ولی اداره آنها و دیگر کارهای فرهنگی شبیه آن خارج از وظایف شهرداری است و باید به وسینه وزارت ارشاد یا سازمان تبلیغات اسلامی انجام شود.

در پی این اظهار نظر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۵ پیش نویس اساسنامه‌ای را تهیه به استحضار مقام معظم رهبری رسانید.

به هر حال اساسنامه سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران در ۲۶ ماده و ۱ تبصره در سال ۱۳۷۵ به تصویب هیئت امنا رسید. در مقدمه اساسنامه مذکور اهداف سازمان فوق چنین تشریح شده است:

با نام خداوند متعال به انگیزه بهبود در گسترش ارائه خدمات فرهنگی و ارتقای سطح معلومات و دانش عمومی و خدمت به انقلاب اسلامی با توجه به اهداف فرهنگی مطرح در قانون اساسی، سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، در جهت هدایت و راهبری و اداره فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ، کتابخانه‌ها و مراکز مشابهی که از سوی شهرداری تهران به امر فرهنگ، هنر و آموزش عمومی در شهر تهران می‌پردازند، با رعایت ضوابط قانونی و مقررات کشوری در سیاست‌های فرهنگی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر طبق موارد و شرایط مندرج در این اساسنامه تشکیل می‌شود.

با تشکیل این سازمان خلاء مذکور تا حد زیادی مرتفع گردید و اقدامی بسیار منطقی در جهت سازماندهی کار فرهنگی به صورت یکنواخت و همگن با اهداف مورد نظر مسئولان فرهنگی کشور به عمل آمد.

پرواضح است که در طبقه‌بندی کارها و شرح وظایف شهرداری‌ها اقدامات فرهنگی آن هم در سطح برنامه‌ریزی فرهنگی قرار نمی‌گیرد و از نظر اصولی این کار باید به اصحاب متولیان فرهنگ کشور سپرده می‌شد.

بدیهی است که کار فرهنگی و علی‌الخصوص برنامه‌ریزی فرهنگی کاری است نیازمند اشراف بر تمامی مسائل فرهنگی کشور و در عین حال نیاز به ظرافت خاصی دارد که از نسخ کارهای شهرداری که در زمینه ساخت و ساز و ایجاد فضای سبز آسفالت خیابان‌ها و احداث بزرگ راه‌ها و... که نوعاً از اقدامات صرفاً اجرایی است و هدایت و رهبری آن نیازمند به روحیه‌های جدی دارد، هیچ‌گونه تطابقی ندارد. به هر حال به نظر می‌رسد که با موارد فوق که تمامی مواردی که شهرداری تهران قبلاً در عرصه فرهنگ و

آموزش عمومی و هنر وارد شده است. علی الاصول جزو وظایف و در حیطه اختیارات سازمان فوق قرار می‌گیرد. از آن حتمه بحث روزنامه همشهری نیز به نظر می‌رسد که جز موارد فوق است. این روزنامه با هدف آموزش عمومی مردم و اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به مردم و تلاش در جهت اعتلای فرهنگ و هنر تأسیس شده است و طی سال‌های گذشته نشان داده که رویه تخصصی در مورد امور مربوط به شهرداری را دنبال نمی‌کند و نوعاً با اهداف فرهنگی تأسیس شده است.

بنابراین به نظر می‌رسد که هدایت و مدیریت این روزنامه نیز علی الاصول باید در اختیار سازمان فرهنگی - هنری شهرداری قرار گیرد.